

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق

۰۷ نومبر ۲۰۲۲



محمد محق

افغانستان و دولت‌های بی‌نهاد، از دولت شبکه‌نی به دولت اندیوالی

پدیده دولت-ملت از پدیده‌های دنیای مدرن است که تاریخش به پیمان ویستفالییا در قرن هفدهم می‌رسد. آنچه دولت-ملت‌ها را از نظام‌های جهان باستان تفاوت می‌بخشد شکل‌گیری دولت‌ها بر پایه نهادهای مدرن است نه بر محور اشخاص و افراد. نهادهای مدرن عبارت از ساختارهایی‌اند که فلسفه وجودی آن‌ها را اهداف، دورنما، اصول، لویج و ضوابط تشکیل می‌دهد.

نهاد دارای منطقی درونی است که افراد گماشته شده در آن محوریت خود را به سود ضوابط و قواعد کنار گذاشته تنها در مقام پیچ و مهره در خدمت کلیت دستگاه قرار می‌گیرند. در این ساختار، جا به جایی افراد تأثیری نسبی بر کارکرد دستگاه دارد، اما نه در حدی که منطق آن را دگرگون کند، حتی اگر در رأس دستگاه باشد. در کشورهای دارای دولت-ملت به معنای درست کلمه، نهادهای مختلفی وجود دارند مانند نهاد سلطنت، یا نهاد ریاست جمهوری، نهاد ارتش، نهاد استخبارات، نهاد قضا، نهاد قانون‌گذاری، نهاد پولیس، نهاد آموزش، نهاد دین، نهاد رسانه و بقیه که در هماهنگی با یک دیگر ساختار دولت-ملت را قوام و استحکام می‌بخشند. وجود این نهادهای استوار سبب می‌شود که ملت‌ها طوفان حوادث را با موفقیت پشت سر بگذارند، بر شکست‌ها فایق بیایند، و خود را از نو بازسازی کنند. بهترین نمونه برای این کار جرمنی و جاپان‌اند با آن موفقیت چشمگیر در بازآفرینی خویش پس از آن شکست سهمگین تاریخی، و عکس آن است کشورهای فاقد دولت-ملت، مانند یمن، لیبیا، صومالی، و افغانستان، با فروپاشی مکرر پس از هر تحول و آشوب سیاسی.

در افغانستان تلاش‌های مقدماتی برای شکل دادن به دولت-ملت از عصر مشروطه‌خواهی آغاز یافت، اما مهندسان این روند بدون درکی عمیق از اهمیت پایه‌گذاری نهادهای مدرن، شالوده این کار را بر سازه‌هایی نارسا بنا کرده کلیشه برداری سطحی از کشورهای پیشرفته را کافی شمردند. از این رو افغانستان هیچ گاه دارای نهادهای استواری که استخوان‌بندی دولت-ملت‌ها را تشکیل می‌دهند نبوده است، و به همین جهت هر تحول سیاسی زنگ فروپاشی را در آن

به صدا درآورده است از کودتای سردار داود خان به ضد نهاد نیم‌بند سلطنت، تا کودتای ثور و کلید خوردن شکاف‌های بزرگ اجتماعی و سپس شروع جنگ‌های داخلی تنظیم‌های جهادی پس از سقوط حکومت داکتر نجیب الله، و از همه بدتر تسلط اول طالبان بر کابل و جمع کردن بساط همه نهادها و فروکاستن دولت به حاکمیت یک گروه شورشی بدوی. در بیست سال دوره جمهوری فرصتی کم‌سابقه برای تشکیل نهادهای مدرن فراهم آمد، و گام‌هایی ابتدائی در این مسیر برداشته شد، اما فساد گسترده از یک سو و نبود رهبری با درایت در رأس دولت از دیگر سو اجازه نداد هیچ نهادی به آن معنا که در کشورهای پیش‌رفته می‌شناسیم شکل بگیرد. در نتیجه وضعیتی پدید آمد که داکتر تیمور شان اسم آن را در پژوهش اکادمیک خود "دولت شبکه‌ئی" گذاشت، چیزی کاملاً متفاوت با دولت نهادها. اکنون افغانستان از دولت شبکه‌ئی به سطحی پائین‌تر تنزل کرده است که "دولت اندیوالی" است. اندیوالی از ویژگی‌های عمده نظام طالبان است بی‌هیچ تناسبی با مفاهیم مدرن دولرداری. پس از سیصد و پنجاه سال از شروع ساختارهای مدرن، افغانستان به جای دولت-ملت ویستفالی گرفتار دولت اندیوالی است.